

کالبد شکافی شیعه در آمریکا

دکتر عبدالرحمن عالم^۱

علی فرزعلیان^۲

چکیده:

گرایش به معنویت، از جمله به دین اسلام در جهان بویژه در آمریکا رو به گسترش است. دلایل این امر را در موضوعاتی از قبیل بحران‌های اخلاقی و هویتی، ناکامی مدرنیته در سعادت مندی و معنا بخشی به زندگی انسانها و سیاست‌های جهان غرب علیه جهان اسلام و مسلمانان می‌توان جستجو کرد. اما گرایش به شیعه در آمریکا نسبت به گذشته افزایش یافته است که این مهم را می‌توان با توجه به افزایش مساجد، مراکز اسلامی، مراسم‌های مذهبی مطرح کرد. البته این گرایش‌ها بیشتر در ابعاد عرفانی و لیبرالی از اسلام بوده است. شیعیان در آمریکا علاوه بر مشکلات و چالش‌هایی که دولت آمریکا و همچنین نگرش منفی برخی مردم این کشور به اسلام دارد با چالش‌های دیگری همانند بحران هویتی، تضادهای درونی با یکدیگر از جمله سیاست‌ها و رفتارهای وهابیت، تبعیض، نگرش انحرافی و منفی رسانه‌ای آمریکایی مواجه هستند.

واژگان کلیدی: شیعیان، ایالات متحده آمریکا، مسلمانان آمریکا، ۱۱ سپتامبر، اسلام هراسی

^۱ - استاد تمام، گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

aalem@tu.ac.ir

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۳

مقدمه:

انسان امروزی دستخوش چالش‌ها و بحران‌های دینی و معنوی است. افسون زدگی، پریشانی، اضطراب، فقدان آرامش و... از نشانه‌های انسانهای کنونی است. به همین دلیل انسانها در جستجوی امنیت روانی و آرامش خاطر هستند. در این میان بازگشت به گذشته در همه انسانها قدرتمندتر است، گذشته‌ای که خدا و مذهب می‌توانستند برای انسانها پشتوانه‌ای روانی، اخلاقی، هویتی و... باشند. البته باید گفت که معنویت عصر جهانی شدن تفاوت‌هایی با معنویت‌های دوران گذشته خواهد داشت که یکی از تفاوت‌های آن در ظواهر ادیان خواهد بود. به عبارت دیگر انسانها نوع اجرای مناسک و دینداری را تغییر خواهند داد و بیشتر به جوهر ادیان بخصوص عدالت، احترام به شأن انسانیت و امثالهم اهمیت خواهند داد. به طور کلی در عصر جهانی شدن معنویت و دینداری اهمیتی بیش از گذشته یافته است، به گونه‌ای که نشانه‌های افزایش جایگاه دین را در عرصه‌های مختلف سیاسی (افزایش دخالت دین در عرصه عمومی) در عرصه‌های اجتماعی (در مسایل مربوط عدالت و چگونگی تعریف و تحقق عدالت اجتماعی، رفع بحران‌های روانی و اخلاقی، احترام انسانها به یکدیگر و...) فرهنگی (در ابعاد هویت بخشی به انسانها و رفع چالش‌های فرهنگی و...) و در ابعاد زندگی شخصی بخصوص در بخش معنا بخشی به زندگی بشریت و جلوگیری از خودکشی و... مشاهده می‌کنیم. به عبارت دیگر نه تنها نمی‌توان از افول دین و معنویت و خدا سخن به میان آورد بلکه باید از بازگشت مذهب و خدا سخن گفت. مصادیق بارز این مساله در افزایش مراجعه به معابد مذهبی اعم از مسجد، کلیسا و... کاملاً هویداست. در پاسخ به نیاز کنونی بشریت به دین، اندیشمندان و متفکران دینی و علوم اجتماعی دلایل و جواب‌های مختلفی ارائه کرده‌اند که برخی از آنها عبارتند از:

۱- دلایل سیاسی: حکومت‌ها و سیاستمداران و مکاتب مختلف سیاسی اعم از لیبرالیسم، مارکسیسم، نتوانستند مشکلات و بحران‌های انسانها را برطرف نمایند. عدالت اجتماعی، آزادی-خواهی، کاهش ظلم و استبداد و... نه تنها تحقق نیافت بلکه مشکلات انسانها در ابعاد گوناگون عدالت خواهی و... افزایش یافت و با توجه به افزایش قدرت دولتها تنها عامل کنترل دولتها و سیاستمداران امور دینی و معنوی می‌باشد. البته باید توجه داشت که در دوران معاصر نفوذ سازمان‌های دینی و مذهبی در سیاست از چند چیز سرچشمه می‌گیرد: یکی اهمیت آنها در کنش و واکنش بین نیروهای نهادی، دوم تاثیر ارزش‌های دینی یا مذهبی در رأی دهندگان، سوم انگیزه‌ها و سیاست‌های افراد و رهبری سیاسی. از مصادیق اولی، تاثیر گروه‌های فشار مذهبی

در مسائلی مانند سقط جنین و طلاق در ایرلند و آمریکا و نفوذ گروه فشار طرفدار اسرائیل در ایالات متحده و فشار احیاگران هندو بر دولت هند قابل ذکر است. همچنین باید به تاثیر وسایل ارتباطی نوین و تاثیر آن بر افزایش دینداری اشاره کرد. همچنان که ارتباطات نوین، چهره‌های مذهبی را در سطح جهانی بالا برده‌اند و تاثیر آنها را بر سیاست و مسایل اجتماعی افزایش داده‌اند. به طور مثال، می‌توان در این زمینه به سفرهای پاپ ژان پل دوم و دلایلی لاما پرداخت. از طرف دیگر جهانی شدن نهادها در ادیان سنتی هم تاثیرگذارده است. روندی به سوی شکل‌گیری بلوک‌های روحانی از طریق سازمان‌هایی مانند شورای جهانی کلیساها و جمعیت جهانی بودایی‌ها و سازمان کنفرانس اسلامی در حال تکوین است.

۲- دلایل انسانی: بشریت به طور فطری نیاز به دین و امور مافوق بشری را همیشه در خود احساس کرده است. بنابراین زندگی مدرن و پیشرفته نمی‌تواند ماهیت و فطرت بشری را تغییر دهد. اگر چه این تغییر و تحولات در عرصه‌های مختلف ارتباطاتی و تکنولوژیکی در ظواهر دینداری و معنویت تحول ایجاد کرده‌اند، ولی در جستجوی خدا و متعالی بودن تغییری نکرده است.

۳- دلایل هویتی: مدرنیته فاقد توان لازم برای ایجاد هویت و تعریف لازم برای زندگی انسانها بود. چرا که انسانها در طول تاریخ نیازمند پشتوانه لازم هویتی، تعریف از زندگی و معنا بخشی به زندگی خود هستند. مدرنیته در ابتدا ادعا کرد که می‌تواند همه نیازهای بشری را برطرف نماید اما بعد از گذشت چند سده مشخص شد که مدرنیته حداقل از پاسخگویی به نیازهای فرهنگی، معنابخشی و رفع نیازهای عاطفی انسانها ناتوان است. همچنان که ما در غرب کنونی مشاهده می‌کنیم، بازگشت به دین مسیحیت و همین‌طور ادیان دیگر بخصوص اسلام افزایش یافته است و گفتمان مدرنیته دیگر گفتمان رایج نیست، بلکه گفتمان‌های دینی و مذهبی در حال شکل‌گیری مجدد هستند.

۴- دلایل خاص مدرنیته: ارایه یک زمان خاص برای ایجاد یک مکتب یا نظریه فکری و سیاسی امکان‌پذیر نمی‌باشد چرا که یک تفکر در یک روند تاریخی تکوین می‌یابد با وجود این، باید گفت مدرنیته که از سده پانزدهم در غرب عینیت یافت با توجه به اصولی که در آن نهفته بود پذیرای دین مسیحیت دوره میانه نبود. چرا که اصولی همچون عقل‌گرایی، اومانیزم، فردگرایی و... با برخی اصول دینی همخوانی نداشتند. به طور خلاصه مدرنیته دین را از عرصه عمومی کنار گذاشت و حتی به تدریج دین را امری بیهوده و مربوط به تاریخ دانست. اما خود نیز نتوانست

تمامی نیازهای زندگی بشری را برآورده سازد. بخصوص مدرنیته در ابعاد معنا بخشی به زندگی، تحقق اخلاق و عدالت در جامعه، روابط انسانی مطلوب و مبتنی بر رفع نیازهای عاطفی و روانی و... شکست خورد. بنابراین انسانها به دنبال رفع احتیاجات خود و رفع خلاءهای معنوی و روانی به مذهب و خدا بازگشتند.

افزایش جامعه مسلمانان آمریکا فرصتی است برای درک و شناخت چالش‌های دنیای معاصر و نقشی که اسلام می‌تواند در درون بزرگترین ابر قدرت نظامی و اقتصادی امروز دنیا ایفا کند. امروزه مسلمانان آمریکا بعنوان یک گروه دینی از مهمترین اقلیت‌های ایالات متحده تبدیل شده‌اند. ۶ تا ۷ میلیون مسلمان در ایالات متحده به سر می‌برند که از نظر قومی، نژادی منحصر به فرد هستند. مهاجران بخش عمده مسلمانان آمریکا را تشکیل می‌دهند. انواع مکاتب فکری، گرایش‌های روشنفکرانه ایدئولوژی‌های سیاسی و جنبش‌های اسلامی را در خود جای داده‌اند.

از سوی دیگر هم زمان با افزایش ناگهانی روندهای مهاجرت مسلمانان به ایالات متحده آمریکا، شاهد وقوع تحولاتی در عرصه‌های بین‌المللی همانند تلاش ایالات متحده آمریکا برای تثبیت جایگاه هژمونیک خود در سطح جهانی هستیم که با مقاومت‌هایی بویژه در میان مسلمانان و کشورهای اسلامی مواجه گردیده و ساختار صرفاً دینی مسلمانان را وارد فاز سیاسی کرد. همین امر، ساخت قدرت سیاسی منفعل ایالات متحده در برابر آزادی‌های مدنی داخلی را وادار به اقدامات کنترلی علیه اقلیت‌های مسلمانان کرده است. علی‌ای حال ظرفیت‌های موجود در بین جامعه مسلمانان آمریکا و اهداف دیپلماتیک ج.ا.ا در جهت پیشبرد و تاثیرگذاری بر ساختار سیاسی و قدرت در جامعه آمریکا و حتی الامکان دفاع از منافع ایران در آن کشور می‌طلبد که این ظرفیت‌ها مورد واکاوی و مطالعه قرار گرفته تا با دیپلماسی موثر بهره‌مندی لازم بعمل آید.

جامعه مسلمانان آمریکا

مسلمانان آمریکا به عنوان یک گروه دینی به یکی از مهم‌ترین اقلیت‌های ایالات متحده تبدیل شده‌اند. از وقتی جمعیت مسلمان آمریکا به تدریج افزایش یافت و یک اقلیت قدرتمند که پشتوانه مالی قوی‌ای نیز در خاستگاه جغرافیایی خود داشتند؛ در جامعه آمریکا شکل گرفت؛ توجه محافل سیاسی و دینی کشورهای اسلامی از یک سو و نخبگان سیاسی جامعه آمریکا از سوی دیگر به آنان معطوف شد. واقعیت این است که جامعه ناهمگون آمریکا طی پنج سده متوالی به گونه‌ای خود را با تفاوت‌های نژادی، دینی، فرقه‌ای، ملی و دیدگاه‌های فکری مختلف همگون

کرده بود که به رغم اقدام برخی گروه‌ها برای حذف فیزیکی گروه‌های دیگر، تعامل با همدیگر را یاد گرفته بودند. اما هم زمان با افزایش ناگهانی روندهای مهاجرتی مسلمانان به ایالات متحده آمریکا، شاهد وقوع تحولاتی در عرصه‌های بین‌المللی همانند تلاش ایالات متحده آمریکا برای تثبیت جایگاه هژمونیک خود در سطح جهانی هستیم که با مقاومت‌هایی - به ویژه - در میان مسلمانان و کشورهای اسلامی مواجه گردید و ساختار صرفاً دینی مهاجران مسلمان این کشور را وارد فاز سیاسی کرد. همین امر، ساخت قدرت سیاسی منفعل ایالات متحده در برابر آزادی‌های مدنی داخلی را وادار به اقدامات کنترلی علیه اقلیت‌های مسلمانان کرد. نتیجه این امر، تلاش کشورهای اسلامی در بهره‌برداری از اقلیت مسلمان آمریکا، واکنش مسلمانان این کشور به تحولات داخلی و خارجی و خروج از انزوا، و اقدامات لابی‌های مخالف مسلمانان و کشورهای اسلامی جهت ایجاد تشّت در میان مسلمانان بود.

«لوی صافی» نیز با نگاهی خوشبینانه و امیدوارانه به چشم‌انداز حضور مسلمانان در جامعه آمریکا بر این باور است که «رشد جامعه مسلمانان آمریکا طی ۳۰ سال گذشته، کاملاً چشمگیر بوده است و آینده روشنی از اسلام در این کشور را نوید می‌دهد اگر چه آمریکا به شیوه‌های مختلف، وضع مسلمانان را به کلی تغییر داده است اما در جای خود، در معرض تغییرات عمیق ناشی از حضور آنها نیز قرار گرفته است. به اعتقاد من، مسلمانان ایالات متحده می‌توانند به اصلاح کلی اساس اخلاقی و معنوی تمدن جدید که بر اثر پیشرفت سکولاریسم متعصب رو به نابودی است، بپردازد. در حقیقت، آنها در موضعی که قرار دارند می‌توانند ابعاد اخلاقی و معنوی زندگی در جهان امروز را بهبود ببخشند و در عین حال، روح واقعی لیبرالیسم را همچنان حفظ کنند. اما من بر این باورم که برای تحقق این رسالت تاریخی، نخست باید با توجه هر چه بیشتر به دو فرآیند مرتبط با هم شامل آموزش اسلامی و رشد سیاسی، به توانمندی‌های سیاسی و اخلاقی مجهز شوند.» (صافی، ۱۳۷۹: ۲۴)

آمریکایی‌های شیعه

برخی از آمریکایی‌های سیاه پوست و سفیدپوستی از راه‌های گوناگون، از جمله با تبلیغات تصوّف، شیعه شده‌اند. تصوّف در آمریکا بیشتر از طریق «فرقه نعمت‌اللهی دکتر نوربخش» و «فرقه شیخ فضل‌الله حائری عراقی» تبلیغ می‌شود. پیروان و مریدان دکتر نوربخش، خانقاه‌های متعددی در شهرهای آمریکا و اروپا ایجاد کرده‌اند و به طور کلی، بر خلاف مریدان شیخ فضل‌الله

به انجام احکام ظاهری دین تقیّدی ندارند. شیخ فضل‌الله، رهبر گروه دیگر صوفیان، داستان جالبی دارد. وی که روحانی زاده‌ای از اهالی «نجف» و مهندس نفت است، تبلیغات خود را در کالیفرنیا آغاز کرد. میدانی پیدا و خود را صوفی معرفی کرد. پس از آنکه در حومه شهر «آستین» در «تگزاس»، زمینی زیبا و وسیع را خرید و مجموعه‌ای را به نام «بیت دین»، شامل مسجد، مدرسه و حجره ساخت، تصمیم گرفت تقیّه را کنار بگذارد. این ماجرا در اوج فعالیت وی و در دهه هفتاد روی داد و در آن زمان، حدود ۱۵۰ نفر در مرکز وی، فعالیت می‌کردند. شیخ فضل‌الله روزی به مؤذن مسجد دستور داد که پس از «اشهد انّ محمّداً رسول الله» عبارت «اشهد انّ علیاً ولیّ الله» و «اشهد انّ علیاً حجّه الله» را سر دهد. پس از نماز مغرب و عشاء، شیخ در میان مریدانش، که حیرت زده به دور او جمع شده بودند، اعلام کرد که شیعه است و چون در حال تقیّه بوده است، نمی‌توانسته آن را ابراز کند. او ادامه داد که اینک آنان مرکز خودشان را دارند و کسی نمی‌تواند مزاحم آنان شود و بنابراین تقیّه لازم نیست. پس از این ماجرا نیمی از هوادارانش او را به جرم رافضی بودن ترک کردند؛ ولی کسانی که باقی ماندند، شیعه شده و به فعالیت پرداختند از جمله «انتشارات الزهراء» را تأسیس کردند و مجله‌ای نیز با عنوان «نورالدین» چاپ کردند. فضل‌الله بعدها مورد آزار دولت آمریکا قرار گرفت و مجبور شد به انگلستان برود. هم اینک نیز در جنوب آفریقا به فعالیت مشغول است. پیروان او در آمریکا هنوز از فعالان محسوب می‌شوند و به علت چاپ آثار با ارزشی، مانند «ترجمه گلشن راز» شبستری و برخی از آثار حیدر آملی، مشهور هستند. البته صوفی‌ها در آمریکا، فرقه‌ها و شاخه‌های متعددی دارند و معمولاً هم کمتر اهل فعالیت سیاسی هستند. آنان بیشتر می‌خواهند سیر و سلوک و مکاشفات معنوی داشته باشند و بیشتر آنان نیز از هنرمندان، شعرا و نویسندگان هستند؛ نه از تجّار، کارخانه‌داران و مانند آن. این گروه، فرهنگ حاکم بر آمریکا را دوست ندارند و (nonconformist) هستند؛ یعنی تابع فرهنگ عرف نیستند. (لنهگهاوزن، ۴۳: ۱۳۸۲-۴۴) گروه شیعیان مهاجر، بیشتر در جهت همگون شدن با فرهنگ آمریکا و آمریکایی‌ها حرکت می‌کنند؛ در حالی که گروه دوم، یعنی آمریکایی‌های شیعه شده همواره در مخالفت با آمریکا - در عرصه‌های سیاست و فرهنگ - هستند. شیعیان سیاه پوست آمریکا بیش از هر گروه دیگری با سیاست آمریکا مخالفت می‌کنند؛ سیاست و فرهنگ آمریکا را ظالمانه می‌دانند و با هر وسیله‌ای، حتی با پوششی غیر متعارف به مقابله با آن می‌پردازند. شیعیان آمریکایی آفریقایی تبار، به ویژه، به بُعد عرفانی امام خمینی (ره)، علاقه خاصی دارند. این دوگانگی، گاه این دو گروه را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد. گروه‌های

شیعی دیگری نیز در آمریکا فعال هستند؛ از جمله «گروه خوجه‌ها» در «کونیز نیویورک» که به علت فعالیت‌های انتشاراتی‌شان مشهور هستند. آنان کتاب «Tahrike Tarsile Qura» را چاپ کرده‌اند. عضو بسیار فعال این گروه، عون علی خلفان است که ترجمه انگلیسی قرآن را از شاکر و ترجمه میر احمد علی را برای اولین بار در سال ۱۹۸۸م. چاپ کرد. غیر از مراکز اسلامی شیعیان، چندین سازمان شیعی دیگر نیز در آمریکا فعال هستند؛ از جمله در شهر مدینه، در ایالت نیویورک و نزدیک به «مرکز کانادا»، حوزه علمیه کوچکی تأسیس شده است. سازمان دیگری به نام «سازمان جوامع مسلمان اثناعشری آمریکای شمالی» در سال ۱۹۸۶ میلادی تأسیس شده است که برای ایجاد وحدت میان شیعیان آمریکای شمالی تلاش می‌کند و اعضای آن، سازمان‌ها و مراکز شیعی هستند، نه افراد. این مرکز، زمینه همکاری سازمان‌های تابعه در امور دینی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌کند. سازمان بسیار مهم و مشهور دیگری در آمریکا وجود دارد به نام «فدراسیون جهانی جوامع مسلمان شیعه خوجه» که مدیریت آن را حاج حسین ولجی عهده‌دار است. البته سازمان‌ها و مراکز شیعی دیگری نیز وجود دارند که به فعالیت مشغولند؛ ولی آنچه باید بدان توجه کنیم، این است که، مسلمانان و به طور خاص شیعیان در آمریکا، سیری همچون سیر تاریخی یهودیان آمریکا دارند؛ بدین معنا که یهودیان در آمریکا به سه گروه مشخص «ارتدکس»، «اصلاح شده» و «بینابین»، که آنان خود به آن محافظه‌کار می‌گویند، تقسیم شده‌اند. مسلمانان نیز به همین‌گونه، به سه گروه تقسیم شده‌اند: گروهی که بسیار مقید به آداب اسلامی هستند، می‌خواهند مسلمانی خوب باقی بمانند و از فرهنگ غالب آمریکا رنج می‌برند. این گروه، شامل مهاجران و نیز آمریکایی‌های مسلمان شده می‌باشند. گروه دیگر، می‌خواهند همچون آمریکایی‌ها زندگی کنند و می‌کوشند خود را هر چه بیشتر با فرهنگ آنان سازگار کنند و ارزش‌های غالب در آمریکا را ارزش واقعی می‌دانند. تنها برخی از مهاجران و نیز برخی از آمریکایی‌های مسلمان شده، این طرز تلقی را دارند؛ زیرا اسلام، در عمل، راحت‌تر از فرهنگ غرب است. گروه سوم، مسلمانانی هستند که نه به شدت گروه اول و نه به بی‌خیالی گروه دوم هستند. پس از یازدهم سپتامبر، این گرایش‌ها شدیدتر هم شد. گروهی از شیعیان، در اثر فشارهای دولت آمریکا، مأیوس شده و از سازگاری با فرهنگ و سیاست آمریکا دست برداشته و حتی برخی حاضر به بازگشت به کشورهای خود شده‌اند. برخی دیگر نیز تلاش کرده‌اند بیشتر دور هم جمع شوند. از نظر جامعه‌شناسی، معلوم نیست چه وضعیتی پیش خواهد آمد. برخی دیگر نیز با دولت آمریکا برای جنگ علیه تروریسم، اعلام همکاری کرده‌اند و به ویژه، برخی از

گروه‌های شیعه، این تروریسم را به سنی‌ها و بنیادگراها نسبت می‌دهند و قائلند آنان که حاضر به سازش و مصالحه با آمریکا نیستند، همین بنیادگرایان تروریست هستند. مردم آمریکا نمی‌دانند تفاوت میان سنی و شیعه چیست. آنان حتی نمی‌دانند که «سیک‌ها» مسلمان نیستند و به همین علت، بسیاری از آنان را به خاطر عمامه‌شان، مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند و کار به جایی رسیده که سیک‌ها مجبور شده‌اند، روی لباسشان علامت مخصوصی بگذارند و بگویند که ما مسلمان نیستیم. (لنهمگهاوزن، ۴۳: ۱۳۸۲-۴۴)

حاج حسن ولجی که پیش‌تر از او یاد شد، پس از یازدهم سپتامبر، در اعلامیه‌ای که به همین منظور صادر کرد، تروریسم را محکوم و در حمایت از جنگ ضد تروریسم، خود را همدل و هم‌صدای بوش معرفی کرد و با اشاره به سخن بوش که گفته بود: همه مسلمانان بد نیستند، گفت: ما هم مانند هفت میلیون مسلمان دیگر، آمریکا را وطن خود می‌دانیم. ما پرکارترین و مبتکرترین افراد جامعه مسلمان، در میان دیگر جوامع اسلامی هستیم و باید به مسلمانان دیگر کمک کنیم تا ارزش‌های آمریکایی را درک کنند و این تنفر نا به جای ضد آمریکایی را کاهش دهند. امام حسن قزوینی نیز که امام جماعت بزرگ‌ترین مسجد آمریکا در دیترویت است، پس از یازدهم سپتامبر، در رادیو، تلویزیون و کلیساها ضمن محکوم کردن این حادثه، زندگی مسلمانان در آمریکا را بسیار خوب توصیف کرد و گفت که مسلمانان باید وطن جدید خود را بسیار دوست بدارند. به طور کلی، اینان می‌خواهند به آمریکایی‌ها بگویند که از ما نترسید. ما نیز مردم خوبی هستیم و مانند شما کار می‌کنیم، فقط به جای کلیسا به مسجد می‌رویم. ما را اذیت نکنید. پس از یازدهم سپتامبر، مردم مسلمان، بیشتر با غیرمسلمانان ارتباط پیدا کردند؛ ولی نه به این منظور که غیرمسلمانان را مسلمان کنند؛ بلکه به این منظور که به آنان بگویند که بیایید با مراکز اسلامی و اعتقادات ما آشنا شوید. به اعتقاد من، هر چند برای این گونه کارها کمی دیر شده است، ولی باز هم ارزش دارد. تقریباً همه مساجد و مراکز اسلامی در آمریکا برنامه‌ای برای معرفی اعتقاداتشان به مسیحیان و پیروان دیگر مذاهب دارند. (همان: ۴۸-۴۷)

ارتباط شیعیان آمریکا با یکدیگر

وضعیت آنها خوب نیست، خیلی تفرقه دارند، معمولاً از همدیگر خبری ندارند و جدا جدا کار می‌کنند؛ کار آنها هم غالباً رقابتی است؛ مثلاً، یک حسینی‌ه یا مسجد با حسینی‌ه و مسجد مجاور خود در جذب بیشتر افراد رقابت می‌کند. حتی در بین حسینی‌ها و مساجد یک ملت هم این

کار شایع است؛ مثلاً، حسینیه لبنانی‌ها با مسجد عراقی‌ها هیچ کاری با هم ندارند، ولی اگر ایرانی‌ها مسجد یا حسینیه‌ای داشته باشند با هم رقابت می‌کنند و همین موجب کینه می‌شود. سنی‌ها در آمریکا بیشتر به صورت سازمانی زندگی می‌کنند؛ یعنی تعدادی سازمان‌های ملی برای کل آمریکا درست کرده‌اند و به شکل‌های گوناگون کارهای خود را انجام می‌دهند؛ برخی از آنها تنظیم امور مساجد را به عهده دارند، برخی دیگر فعالیت‌های سیاسی می‌کنند - مثلاً سعی می‌کنند از حقوق مسلمانان دفاع کنند - بعضی از آنها در میان دانشجویان فعال هستند، ولی شیعیان این طور جا نیفتاده‌اند. چندین بار سعی کرده‌اند که مرکزی برای شیعیان آمریکا درست کنند، ولی خیلی از این طرح استقبال نکرده‌اند. علت این موضوع آن است که گروه‌های شیعی انسجام کمتری با هم دارند مثلاً در شهرهای بزرگ، می‌بینید در مساجد سنی‌ها گروه‌های گوناگون در کنار هم مشغول فعالیت هستند، ولی در میان شیعیان این وضعیت کمتر دیده می‌شود. به همین دلیل، شیعیان هنوز نتوانسته‌اند سازمان برجسته‌ای تأسیس کنند که موجب جذب شیعیان و تشکل آنها باشد. (همان: ۱۹۱)

مراکز شیعی؛ مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن، مرکز اسلامی میشیگان، انجمن شیعیان اثنی عشری شمال غرب آمریکا، مرکز فرهنگی ایمان لس آنجلس، مرکز امام مهدی (عج) آمریکا، مدرسه اسلامی مدینه العلم کالیفرنیا، بنیاد هجرت کالیفرنیا، انجمن اسلامی اهل بیت (ع) تگزاس، موسسه اسلامی نیویورک، مرکز اسلامی صبا کالیفرنیا، مرکز اسلامی و مسجد الرسول (ص) کالیفرنیا، مرکز فرهنگی اسلامی فرسنو کالیفرنیا، مسجد علی (ع) نیوجرسی، موسسه امام علی (ع) (نیویورک)، مرکز اسلامی امام خوبی (نیویورک)، مرکز تمدن اسلامی (کالیفرنیا)، حوزه قائم (عج)، موسسه جهانی تمدن اسلامی (ویرجینیا)، موسسه مکارم اسلامی (پنسیلوانیا) موسسه امام صادق (ع) (لوس آنجلس).

رهبران معاصر جنبش‌های اسلامی آمریکا

شاید تعداد رهبران اسلامی ذی نفوذ در آمریکا یکی از علل عدم انسجام مذهبی و سیاسی مسلمانان آمریکا تلقی شود. اثبات این ادعا، در گرو اشاره هر چند اجمالی به رهبران فعلی است. این تفرقه حتی در بین رهبران ذی نفوذ نزدیک به تفکرات و سیاست‌های جمهوری اسلامی نیز مشاهده می‌شود.

امام عبدالعلیم موسی: وی امام جماعت مسجدی در جنوب غربی واشنگتن، از فعالان اسلامی، صاحب نام و شهرت سیاسی در آمریکا و از افرادی بوده است که در راستای پیام انقلاب اسلامی ایران، از وحدت شیعه و سنی و نیز از مواضع سیاسی جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کند. امام محمد العاصی: او از فعالان اسلامی، صاحب شهرت، امام مسجد بزرگ واشنگتن و از سخنرانان و متفکران برجسته اسلامی در سطح بین‌المللی است. مسلمانان آمریکا به او و دیدگاه‌هایش اهمیت زیادی قائلند. وی حتی در ایران به علت دفاع از مواضع سیاسی کشورمان و شرکت در همایش‌های تقریب مذاهب شناخته شده است. امام الحنوطی: فلسطینی الاصل و امام مسجد دارالهجره واشنگتن است. امام الحنوطی و مسجد دارالهجره از این جهت مهمند که وی از نظر سیاسی و مذهبی اهل تسامح و تساهل است، و از درگیری شیعه و سنی اجتناب کرده و بیشتر افرادی که در مسجد فوق شرکت می‌کنند، از قشر تحصیل کرده‌اند. امام عبدالکریم حسن: از دستیاران طراز اول امام وارث الدین محمد است. وی که از وحدت شیعه و سنی دفاع می‌کند، امامت مسجد بلال از مساجد بزرگ لس آنجلس را بر عهده دارد. امام وارث الدین محمد: وی فارغ التحصیل الازهر است و گروه و سازمانش بیش از ۱/۵ میلیون نفر عضو و طرفدار دارد. او منشأ و اساس تحولات اسلامی بسیاری در مسلمانان آمریکایی است و تبعیض نژادی را که شالوده و بنیاد کار پدرش (عالیجاه محمد) بود، باطل دانست، و ایجاد و یا ادامه هرگونه نفرت علیه سفید پوستان را نفی و بر خلاف اصول اسلام دانست. محمد در اداره میسیون مسلمانان آمریکا به شیوه غیر متمرکز (واگذاری امور به امامان محلی) عمل می‌کند، و اینک سازمانش یکی از بزرگ‌ترین و سازمان یافته‌ترین سازمان‌های اسلامی آمریکایی است. (بی نا، ۱۳۷۷: ۵۰) امام جمیل الامین: جمیل رهبری مجلس الشوری شمال آمریکا را بر عهده دارد. او قبل از مسلمان شدن، به عنوان یکی از رهبران سپاه پوست گروه «پلنگان سیاه» که خواهان تساوی حقوق مدنی و طرفدار مبارزه مسلمانان در کسب این حقوق بود، فعالیت می‌کرد؛ از این رو نام وی با آشوب‌های ۱۳۴۶ش/۱۹۶۷م. ایالت ماساچوست در هم آمیخته است. جمیل به علت شرکت در این آشوب‌ها، به زندان افتاد، و در زندان به اسلام گروید. او در فن سخنرانی بسیار استاد و دیدگاهش در مورد جمهوری اسلامی ایران مثبت است. لوئیس فراخان: لوئیس ولکات که به لوئیس فراخان معروف شده است، رهبر گروه ملت اسلام به شمار می‌رود. او در ۱۳۱۲ش/۱۹۳۳م. در بخش برونکس نیویورک به دنیا آمد، دوران جوانی را در شهر بوستون ایالت ماساچوست گذراند و مدتی به خوانندگی جاز و موسیقی سنتی آمریکا پرداخت، و سرانجام توسط مالکوم ایکس به اسلام

گروید. فراخان پس از ترور ایکس به صورت یکی از چهره‌ها و مهره‌های اساسی حرکت اسلامی سپاهان درآمد و تا مرگ عالیجاه محمد سخنگو و نماینده وی بود. بعد از مرگ عالیجاه، از سازمان و گروه ملت اسلام کناره گیری کرد و سپس به تأسیس سازمانی به همین نام پرداخت. وی که توسط گروهی به نام ثمره الاسلام بازوان نظامی امت اسلام محافظت می‌شود، در جذب و نگاه داشت طرفداران خود چندان موفق نبوده است و در حال حاضر پیش بینی می‌شود تنها حدود دویست هزار عضو در گروه ملت اسلام حضور دارند. (همان)

جریان شناسی فکری مسلمانان در آمریکا

با وجود اینکه مردم آمریکا عموماً بند قانونی «عدم وجود مذهب رسمی» را نوعی بی طرفی که مخالف مذهب باشد، نمی‌دانند و بر اساس نظرسنجی‌های صورت گرفته از افکار عمومی، مردم آمریکا تمایل شدیدی به این مهم دارند که آنها را به عنوان کشور و ملتی مذهبی مورد خطاب قرار دهند و به طور کلی مذهب را عامل مهمی برای شخصیت و فرهنگ فردی و مدنی می‌دانند؛ اما با این حال، بر اساس قوانین ایالات متحده آمریکا، جامعه مدنی در رابطه با مذهب باید به طور تمام و کمال بی طرف باشد. هدف از این تعبیر و تفسیر از قانون اساسی آمریکا این بود که کنگره را از انجام هر عملی برای استقرار مذهب بوسیله قانون یا منع مبادرت آزادانه به اعمال دینی باز دارد. با این حال، نقش مذهب در شکل‌گیری شخصیت و فرهنگ آمریکایی، همه یکباره و به یک شکل پیش نیامده است. بارزترین خصوصیت مذهب در آمریکا، تنوع و چندگونگی مذهبی آن است. در برخی از کتب، تعداد گروه‌های مذهبی را ۲۲۰ و در برخی دیگر از دایره‌المعارف‌ها تا ۱۲۰۰ گروه مذهبی اشاره شده است. این گروه‌ها خود اغلب ائتلافی از جناح‌ها و جنبش‌های فرعی هستند و پیرامون آنها را بسیاری فرقه‌های تازه تأسیس و در حد بالا فردگرایانه احاطه کرده است. (لودتکه، ۱۳۸۵: ۴۸۵)

جامعه‌شناسی شیعیان ایالات متحده آمریکا

جامعه شیعیان آمریکا را نخست می‌توان به دو گروه بزرگ تقسیم کرد: گروه اول، شیعیان مهاجری هستند که حدود صد و هشتاد سال پیش، از کشورهای مسلمان به آمریکا مهاجرت کردند. گروه دوم، آمریکایی‌هایی هستند که به علت‌های گوناگون، از جمله، تبلیغات صوفی‌ها مسلمان می‌شوند. البته بیشتر مسلمانان آمریکایی آفریقایی‌تبار، ابتدا سنی شده‌اند و بعد

تحت تأثیر روحیه و شخصیت امام خمینی(ره) و پیروزی انقلاب اسلامی ایران به تشیع روی آورده‌اند.

گروه اول: شیعیان مهاجر. از حدود صد و هشتاد سال پیش، از لبنان و سوریه به آمریکا مهاجرت کردند و در شهرهای دیترویت میشیگان و راس و داکوتای شمالی ساکن شدند. این مهاجرت بین سال‌های ۱۸۲۴ تا ۱۸۷۸ صورت پذیرفته است. در سال ۱۹۲۴، دولت آمریکا قانونی را تحت عنوان «قانون منع ورود آسیایی‌ها»^۱ که به نوعی مفهوم نژادپرستی را نیز در برداشت، وضع کرد و با تمسک به آن، از ورود آسیایی‌هایی که از نظر آنان رنگین‌پوست محسوب می‌شدند و از نظر فرهنگ و رفتار، با سفیدپوستان اروپایی تبار آمریکا متفاوت بودند، ممانعت کرد. پس از جنگ جهانی دوم، این قانون تعدیل شد و آسیایی‌ها - از جمله مسلمانان و شیعیان - توانستند به آمریکا مهاجرت کنند. اینک بزرگ‌ترین جمعیت شیعی در آمریکا در شهر دیترویت میشیگان، با سیصد هزار آمریکایی عرب‌تبار ساکن است. در جنوب شرقی این شهر، یکی از بزرگ‌ترین مساجد آمریکا، یعنی مرکز اسلامی دیترویت، در سال ۱۹۲۰ میلادی ساخته شد. این مرکز، نزدیک کارخانه ماشین سازی فورد آمریکا ساخته شده است؛ زیرا بیشترین مهاجران عرب، در بدو ورود به آمریکا در آن کارخانه مشغول به کار شدند.

رهبر فعلی این گروه، شخصی به نام «امام حسن قزوینی» است که در کربلا متولد شده و تقریباً ده سال نیز در حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل بوده و در سال ۱۹۹۲ به آمریکا مهاجرت کرده است. در بالای سر در ورودی این مسجد، عکس بزرگی از او در کنار عکس «جورج بوش» به چشم می‌خورد. به طور کلی، نکته مهم درباره شیعیان مهاجر، آن است که این گروه، غالباً فعالیت سیاسی ندارند و بیشتر مایل هستند خود را با فرهنگ و آداب آمریکا تطبیق دهند. آنان می‌خواهند مانند آمریکایی‌ها زندگی کنند و آمریکا را نه برای تبلیغات دینی، بلکه صرفاً برای کسب معاش و به عنوان محلی مناسب برای زندگی انتخاب کرده‌اند. گاه مراکزی به چشم می‌خورند که محلی برای تجمع مسلمانان، بدون توجه به قومیت و ملیت، می‌باشند؛ مانند مرکز اسلامی آیت‌الله خوبی در نیویورک، که معمولاً ایرانی‌ها، عراقی‌ها، لبنانی‌ها، خوجه‌های پاکستانی و آمریکایی‌ها در مراسم آن شرکت می‌کنند و یا مرکز امام علی(ع) در نیویورک، که هر چند بیشتر فعالان آن ایرانی هستند، ملیت‌های دیگر نیز به آنجا رفت و آمد می‌کنند. درباره فعالیت سیاسی مهاجران شیعه، این نکته را باید اضافه کنم که گروه‌هایی مانند سلطنت طلبان ایرانی، که با رضا

¹- Asian Exclusion Act

پهلوی در کالیفرنیا همکاری می‌کنند، برخی از پیروان نهضت آزادی، پیروان خط امام (ره) و حتی منافقان نیز اکنون از فعالان سیاسی در آمریکا هستند. غیر از مراکزی که مدیریت آنها با اشخاص روحانی است، مراکزی نیز وجود دارند که اداره آنها با اشخاصی است که هیچ‌سختی با اسلام و شیعه ندارند، بلکه ضد علمای اسلام و از لحاظ سیاسی، ضد دولت ایران هستند. معمولاً سرپرستی این گونه مراکز، با پزشک یا مهندس فعالی است که خود پیش‌نماز هم می‌شود، بدون آنکه اطلاعی از اسلام و فقه داشته باشد. اینگونه مراکز، از نظر سیاسی، کاملاً لیبرال هستند.

صدها گروه شیعی دیگر نیز در آمریکا وجود دارند؛ از جمله، گروه «انصار الله» که گروهی است با اعضای سیاه‌پوست از مهاجران سودانی و آمریکایی و دارای اعتقادات عجیب و غریب. رهبر این گروه، سودانی است و معتقد است پیامبر اسلام و همه ائمه علیهم السلام سیاه‌پوست بوده‌اند و اعراب نژادپرست، ابوبکر را که سرخ‌پوست بود، به دلیل رنگ پوستش، بر حضرت علی علیه‌السلام ترجیح دادند.

گروه دوم: آمریکایی‌های سیاه‌پوست و سفیدپوستی هستند که از راه‌های گوناگون، از جمله با تبلیغات تصوف، شیعه شده‌اند. تصوف در آمریکا بیشتر از طریق فرقه نعمت‌اللہی دکتر نوربخش و فرقه شیخ فضل‌الله حائری عراقی تبلیغ می‌شود. پیروان و مریدان دکتر نوربخش خانقاه‌های متعددی در شهرهای آمریکا و اروپا ایجاد کرده‌اند و به طور کلی، برخلاف مریدان شیخ فضل‌الله به انجام احکام ظاهری دین تقیدی ندارند. شیخ فضل‌الله، رهبر گروه دیگر صوفیان، داستان جالبی دارد. وی که روحانی‌زاده‌ای از اهالی نجف و مهندس نفت است، تبلیغات خود را در کالیفرنیا آغاز کرد. مریدانی پیدا کرد و خود را صوفی معرفی نمود. پس از آنکه در حومه شهر آستین در تگزاس، زمینی زیبا و وسیع را خرید و مجموعه‌ای را به نام «بیت دین»، شامل مسجد، مدرسه و حجره ساخت، تصمیم گرفت تقیه را کنار بگذارد. شیعیان سیاه‌پوست آمریکا بیش از هر گروه دیگری با سیاست آمریکا مخالفت می‌کنند، سیاست و فرهنگ آمریکا را ظالمانه می‌دانند و با هر وسیله‌ای، حتی با پوششی غیر متعارف به مقابله با آن می‌پردازند.

شیعیان آمریکایی آفریقایی‌تبار، به‌ویژه، به بعد عرفانی اما علاقه خاصی دارند. نکته درخور توجه درباره شیعیان آمریکا این است که گروه شیعیان مهاجر، بیشتر در جهت همگون شدن با فرهنگ آمریکا و آمریکایی حرکت می‌کنند، در حالی که گروه دوم، یعنی آمریکایی‌های شیعه شده همواره در مخالفت با آمریکا - در عرصه‌های سیاست و فرهنگ - هستند. این دوگانگی، گاه

این دو گروه را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد. گروه‌های شیعی دیگری نیز در آمریکا فعال هستند؛ از جمله گروه خوجه‌ها در کینز نیویورک که به علت فعالیت‌های انتشاراتی‌شان مشهور هستند. آنان کتاب Tahrike Tarsile Quran را چاپ کرده‌اند. عضو بسیار فعال این گروه، "عون علی خلفان" است که ترجمه انگلیسی قرآن را از شاکر و ترجمه میر احمد علی را برای اولین بار در سال ۱۹۸۸ چاپ کرد. از مراکز اسلامی شیعیان، چندین سازمان شیعی دیگر نیز در آمریکا فعال هستند؛ از جمله در شهر مدینه، در ایالت نیویورک و نزدیک به مرکز کانادا، حوزه علمیه کوچکی تأسیس شده است. سازمان دیگری به نام «سازمان جوامع مسلمان اثناعشری آمریکای شمالی» در سال ۱۹۸۶ تأسیس شده است که برای ایجاد وحدت میان شیعیان آمریکایی شمالی تلاش می‌کند و اعضای آن، سازمان‌ها و مراکز شیعی هستند؛ نه افراد. این مرکز، زمینه همکاری سازمان‌های تابعه در امور دینی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌کند. سازمان بسیار مهم و مشهور دیگری در آمریکا وجود دارد به نام فدراسیون جهانی جوامع مسلمان شیعه خوجه که مدیریت آن را حاج «حسین ولجی» عهده دار است.

البته سازمان‌ها و مراکز شیعی دیگری نیز وجود دارند که به فعالیت مشغولند؛ ولی آنچه باید بدان توجه کنیم، این است که به نظر من، مسلمانان و به طور خاص، شیعیان در آمریکا سیری همچون سیر تاریخی یهودیان آمریکا دارند؛ بدین معنا که یهودیان در آمریکا به سه گروه مشخص ارتدوکس، اصلاح شده و بینابین، که آنان خود به آن محافظه‌کار می‌گویند، تقسیم شده‌اند. مسلمانان نیز به همین گونه، به سه گروه تقسیم شده‌اند: گروهی که بسیار مقید به آداب اسلامی هستند، می‌خواهد مسلمانی خوب باقی بمانند و از فرهنگ غالب آمریکا رنج می‌برند. این گروه، شامل مهاجران و نیز آمریکایی‌های مسلمان شده می‌باشند. گروه دیگر، می‌خواهند همچون آمریکایی‌ها زندگی کنند و می‌کوشند خود را هر چه بیشتر با فرهنگ آنان سازگار کنند و ارزش‌های غالب آمریکا را ارزش واقعی می‌دانند. تنها برخی از مهاجران و نیز برخی از آمریکایی‌های مسلمان شده، این طرز تلقی را دارند؛ زیرا اسلام، در عمل، راحت‌تر از فرهنگ غرب است.

گروه سوم: مسلمانانی هستند که نه به شدت گروه اول و نه به بی‌خیالی گروه دوم هستند. پس از یازدهم سپتامبر، گرایش‌ها شدیدتر هم شد. گروهی از شیعیان، در اثر فشارهای دولت آمریکا، مأیوس شده و از سازگاری با فرهنگ و سیاست آمریکا دست برداشته و حتی برخی حاضر به بازگشت به کشورهای خود شده‌اند. برخی دیگر نیز با دولت آمریکا برای جنگ علیه تروریسم

اعلام همکاری کرده‌اند و به ویژه، برخی از گروه‌های شیعه، این تروریسم را به سنی‌ها و بنیادگراها نسبت می‌دهند و قائل‌اند آنان که حاضر به سازش و مصالحه با آمریکا نیستند، همین بنیادگراهای تروریست هستند. مردم آمریکا نمی‌دانند تفاوت میان سنی و شیعی چیست. آنان حتی نمی‌دانند که سیک‌ها مسلمان نیستند و به همین علت، بسیاری از آنان را به خاطر عمامه‌شان مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند و کار به جایی رسید که سیک‌ها مجبور شدند روی لباسشان علامت مخصوصی بگذارند و بگویند ما مسلمان نیستیم. حاج حسن ولجی که پس از یازده سپتامبر، در اعلامیه‌ای که به همین منظور صادر کرد، تروریسم را محکوم، و در حمایت از جنگ بر ضد تروریسم، خود را همدل و هم صدای بوش معرفی کرد و با اشاره به سخن بوش که گفته بود: «همه مسلمانان بد نیستند»، گفت که ما هم مانند هفت میلیون مسلمان دیگر، آمریکا را وطن خود می‌دانیم، ما پرکارترین و مبتکرترین افراد جامعه مسلمان، در میان دیگر جوامع اسلامی هستیم و باید به مسلمانان دیگر کمک کنیم با ارزش‌های آمریکایی را درک کنند و این تنفر نابجای ضد آمریکایی را کاهش دهند.

امام حسن قزوینی نیز، که امام جماعت بزرگ‌ترین مسجد آمریکا در دیترویت است، پس از یازدهم سپتامبر، در رادیو، تلویزیون و کلیساها ضمن محکوم کردن این حادثه، زندگی مسلمانان در آمریکا را بسیار خوب توصیف کرد و گفت که مسلمانان باید وطن جدید خود را بسیار دوست داشته باشند. پس از یازدهم سپتامبر، مردم مسلمان، بیشتر با غیر مسلمانان ارتباط پیدا کردند؛ ولی نه به این منظور که غیر مسلمان را مسلمان کنند، بلکه به این منظور که به آنان بگویند که بیایید با مراکز اسلامی و اعتقادات ما آشنا شوید.

جریان‌های فکری غالب در جامعه مسلمانان آمریکا

در این بخش تلاش ما بر این خواهد بود که با نگرش آسیب شناسانه و نقادانه به شرایط حاکم بر جریان‌های فکری غالب در جامعه مسلمانان آمریکا پرداخته شود. از این روی، در این بررسی سعی خواهد شد تا ضمن ارائه تصویری از گرایش‌های فکری در میان جامعه مسلمانان آمریکا به تبیین ریشه‌های شکل‌گیری و تقویت روزافزون آنها پرداخته شود. جریان‌های عرفانی، جامعه شیعیان آمریکا، نهضت مسلمانان «ملت یا گروه اسلام»، اسلام سلفی و طالبانی، وهابی، لیبرالیسم دینی، روشنفکری سکولار و جریان‌های ملی‌گرا از جمله طیف‌های فکری مسلمانان آمریکا به ویژه در سال‌های اخیر بوده است. تشنّت ناشی از این جریان‌های فکری در بین مسلمانان آمریکا

به اندازه‌های مشهود و آشکار می‌باشد که «جلال رفیع» در «کتاب در بهشت شداد» با نقل قولی از سید جمال الدین اسد آبادی به ترسیم شرایط حاکم بر جامعه مسلمانان این کشور و پیامدهای ناشی از آن می‌پردازد. «الاسلام محبوب بالمسلمین. اسلام را نه کفار، بلکه خود مسلمانان در پرده انداخته‌اند و نمی‌گذارند که کسی جمال زیبای اسلام را ببیند ... گاهی بعضی از ما مسلمانان مثل رهگذرانی هستیم که جلو دوربین عکسبرداری و فیلمبرداری را می‌گیرند و نتیجتاً به جای اینکه دوربین بتواند صحنه و چهره اصلی را ببیند، تصویر آنها را ضبط و ثبت می‌کند! ... گاهی بعضی از ما مسلمانان مثل آدم‌هایی هستیم که به قصد دست‌بوسی و پابوسی بر سر یک آقای بزرگوار ریخته‌اند و نه تنها نمی‌گذارند کسی آن آقا را ببیند، بلکه خودشان سر و دست او را هم ناخواسته می‌شکنند و وی را در زیر دست و پا ندانسته خفه می‌کنند! ...» (رفیع، ۱۳۷۰: ۴۳۶) به طور کلی، همگرایی چندان رشدی در جامعه مسلمانان آمریکا وجود ندارد. علاوه بر ویژگی‌هایی که آنها را از هم دور می‌سازد، مسائل عمیق‌تری نیز وجود دارد که واگرایی در آنها را تشدید می‌کند. از این رو بایستی چنین نتیجه گرفت که با اینکه ممکن است اسلام در جامعه آمریکا از بیرون، کل واحدی به نظر برسد، اما دینی عمیقاً چندپارچه است. با کنکاش در زوایای جامعه مسلمانان آمریکا و بررسی سازمان‌ها، مساجد و کشورهای حامی برخی گروه‌های اسلامی می‌توان به تنوع و چندگونگی مسلمانان این کشور پی برد.

جریان فکری شیعیان

جامعه شیعیان، پس از اهل تسنن، بزرگ‌ترین گروه مسلمانان در ایالات متحده آمریکا می‌باشد و شیعه اثنی‌عشری، قریب به اتفاق این گروه از مسلمانان را تشکیل می‌دهد. از ده میلیون مسلمان در آمریکا، از جمله مسلمانان سیاه‌پوست بومی آمریکا، نزدیک به دو میلیون نفر از مذهب شیعه هستند. به عبارت دیگر از هر ده نفر مسلمان در ایالات متحده، دو نفر از شیعیان هستند و بزرگ‌ترین گروه مسلمانان شیعه را ایرانی‌ها، که نزدیک به یک میلیون نفر می‌باشند، تشکیل می‌دهند. سایر شیعیان آمریکا از کشورهای عراق، لبنان، افغانستان، عربستان سعودی، پاکستان، هند، آذربایجان، تاجیکستان، ترکمنستان و سوریه بوده و تعداد قابل توجهی نیز از سایر ممالک و سرزمین‌های اسلامی هستند. مهاجرت چند سال اخیر مسلمانان به آمریکا به ویژه از کشورهای پاکستان، عراق، بحرین و سواحل خلیج فارس، بنگلادش، آفریقای شمالی و جنوبی و آسیای مرکزی، جمعیت شیعیان را در آمریکا افزایش داده است. جامعه شیعیان در آمریکا، به

ویژه پس از جنگ جهانی دوم و در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰م بر اثر افزایش مهاجران ایرانی و لبنانی و عراقی، به ویژه دانشجویان، بخش بسیار مهمی را از جمعیت مسلمانان در ایالات متحده تشکیل می‌داد، اما اهمیت شیعیان از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و توجه فوق‌العاده مردم و افکار عمومی به بیداری مسلمانان، گسترش پیدا کرد. جامعه شیعیان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م در آمریکا، فعال‌ترین و مهم‌ترین گروه سیاسی را تشکیل می‌داد. مثلاً انجمن دانشجویان مسلمان که تحت نظر و رهبری ایرانیان مقیم آمریکا و کانادا اداره شده و فعالیت می‌کرد، نقش بسیار بزرگی در بسیج مسلمانان و آگاهی افکار عمومی آمریکا در دوران انقلاب اسلامی داشت. نکته قابل تأمل در خصوص جامعه شیعیان آمریکا، فقدان ارتباط لازم آنان با یکدیگر و دیگر گروه‌های اسلامی جامعه مسلمانان آمریکا می‌باشد. نکته دیگری که باید بدان توجه داشته باشیم، ارتباط شیعیان با دیگر مسلمانان است. در جریان بعد از یازده سپتامبر و به موازات فشارهای وارده از سوی سازمان‌های امنیتی چون اف.بی.آی، بحث‌های بسیار جدی در بین رهبران و جامعه شیعیان این کشور در خصوص دوری یا اتحاد با دیگر گروه‌های اسلامی این کشور در گرفت. (لنگنهاوزن، ۱۳۸۴: ۲)

لنگنهاوزن بر این باور است که بیشتر شیعیان در آمریکا، طرفدار جدایی‌گزینی و انتخاب مشی انزوا از دیگر گروه‌های اسلامی آمریکا می‌باشند. به طور کلی جامعه شیعیان این کشور قادر به تحمل، ارتباط و گفتگو با دیگر گروه‌های اسلامی نیستند. اگر چه در برخی مواقع، ارتباطی بین شیعیان و دیگر گروه‌های اسلامی وجود دارد ولی این ارتباط بسیار ضعیف می‌باشد و عمدتاً وضعیت مطلوب نیست. مسئله دیگری که در خصوص جامعه شیعیان این کشور لازم به یادآوری است این است که آنها در ایجاد سازمان‌های فعال سیاسی ناکام بوده‌اند. بر خلاف شیعیان، سنی‌ها در آمریکا بیشتر به صورت سازمانی زندگی می‌کنند؛ یعنی تعدادی سازمان‌های ملی برای کل آمریکا بوجود آورده‌اند و به اشکال گوناگون، کارهای خود را انجام می‌دهند؛ برخی از آنها تنظیم امور مساجد را بر عهده دارند، برخی دیگر فعالیت‌های سیاسی می‌کنند، مثلاً سعی می‌کنند از حقوق مسلمانان دفاع کنند و بعضی از آنها در میان دانشجویان فعال هستند. ولی چنین سازماندهی در میان شیعیان به چشم نمی‌خورد. تلاش‌های زیادی از سوی شیعیان این کشور برای ایجاد مرکز شیعیان این آمریکا صورت گرفته اما استقبالی از سوی جامعه شیعیان این کشور صورت نگرفته است. چنین به نظر می‌رسد که علت این موضوع آن است که گروه‌های شیعی از سطح انسجام پایینی برخوردارند.

نگرش مسلمانان نسبت به سیاست و حکومت در آمریکا

اولین ملاحظه‌ای که در تبلیغ معارف شیعه در آمریکا به آن اهتمام ویژه‌ای می‌ورزیم، انجام درست و مسئولانه وظایف شهروندی در ایالات متحده است. نخبگان شیعه و همین‌طور همه شیعیان در آمریکا همواره سعی دارند تا در ابعاد انسانی و کمک‌رسانی به مردم از همه گروه‌ها پیش‌تاز باشند. ما همواره توجه ویژه خود را به اقشار ضعیف و ستم‌دیده آمریکا نشان داده‌ایم؛ به بی‌خانمان‌ها، به افراد فقیر، به زنانی که مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند. بنابراین قبل از اینکه به هر موضوع دیگری توجه کنیم تمرکز خود را ابتدا به مشکلات داخلی آمریکا منعطف می‌کنیم. شیعیان آمریکا مشکلات همسایگان خود را در اولویت می‌دانند همان‌طور که حضرت زهرا(س) فرمودند، اول همسایه و بعد خانه. بنابراین در مرحله اول، هنگامی که ما به گرسنگان آمریکا غذا می‌دهیم، پیام اصلی اهل بیت(ع) را به آنها می‌رسانیم. مرحله دوم فعالیت تبلیغاتی ما در آمریکا، ایجاد ارتباط و مکالمه با دیگر اقلیت‌های آمریکا همانند هندوها، سیک‌ها، مسیحی‌ها، یهودی‌ها و حتی لائیک‌هاست. ما به آنها توضیح می‌دهیم که مثلاً نماز خواندن در دین ما به چه معناست و یا چرا روزه می‌گیریم. آمریکایی‌ها می‌دانند که تنها راه زندگی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر در آمریکا نشستن بر سر یک میز و مذاکره است.

از سوی دیگر ما از تمام ظرفیت‌های خود استفاده می‌کنیم تا در حد امکان در سیستم آموزشی آمریکا برای خود جا باز کنیم و بتوانیم در مدارس و دانشگاه‌های آمریکا عقاید و نظرات اهل بیت(ع) را بیان کنیم تا ملت آمریکا بفهمند اهل بیت بزرگوار پیامبر(ص) چه نظراتی داشتند و چگونه جامعه خود را مدیریت می‌کردند. ما با این کار سعی در خنثی کردن تبلیغات بسیار منفی داعش داریم. چهارمین اقدام ما در جهت تبلیغ اسلام راستین در آمریکا، استفاده حداکثری از ابزار رسانه است. هنگامی که اتفاقی در آمریکا می‌افتد چه اجتماعی چه سیاسی و غیره ما خیلی زود خود را در سطح رسانه‌ها حاضر می‌کنیم تا با صدای بلند نظر خود را که برگرفته شده از معارف اهل بیت(ع) است، به جامعه آمریکا منتقل کنیم.

مشکلاتی ترویج شیعه و اسلام در آمریکا

خوشبختانه مشکل زیادی در آمریکا برای تبلیغ تشیع نداریم. تنها مشکل ما در تدریس شیعه در دانشگاه‌های آمریکا این است که به طور سنتی یک قالب از تدریس اسلام در دانشگاه‌های آمریکا وجود داشته و آن متعلق به مذاهب دیگر است، ما در تلاش هستیم که شیعه را در سطح

بیشتری به جامعه علمی آمریکا معرفی کنیم و این مشکل را مرتفع سازیم. وهایی‌ها و سعودی‌ها با به پای هم در آمریکا پیشروی دارند. سعودی‌ها اقدامات بسیار گسترده‌ای در آمریکا انجام داده‌اند تا خود را در این کشور محترم جلوه دهند. آنها این سیاست را از دو راه پیگیری می‌کنند، اول سیاست؛ شاهزاده‌ها و رهبران آل سعود با سیاستمداران آمریکایی ارتباط نزدیکی دارند. آنها جلسات زیادی با آمریکایی‌ها دارند و همیشه در ارتباط هستند. ضمن اینکه پول‌هایشان را به سمت دانشگاه‌های آمریکا سرازیر می‌کنند و از محافل علمی آمریکا استفاده ابزاری برای تبلیغ عقایدشان می‌کنند. دپارتمان‌های مختلفی در آمریکا وجود دارد که موسس آنها شاهزاده‌های سعودی و متفکران وهایی هستند. اگر شما ۲۰ میلیون دلار در سال به هروارد بدهید و یا پول زیادی به دانشگاه‌های پرینستون بدهید، قطعاً به شما اعتبار داده خواهد شد. وهابیت تلاش گسترده‌ای دارد تا در زمینه‌هایی که شیعه در آن وارد نشده سرمایه‌گذاری کند. (سایت ابنا، ۱۳۹۵/۶/۱۹)

جمعیت‌های شیعیان اثنی عشری آمریکای شمالی

این مرکز در سال ۱۹۹۴م، توسط شورای شیعه دانشمندان مسلمان در شمال آمریکا، که به عنوان مرکزیت رهبران مذهبی شیعه مسلمان آمریکایی شناخته شده‌اند، ساخته شده‌است. این مرکز مهم‌ترین و بزرگ‌ترین سازمان شیعی است که دیگر مراکز شیعی در آمریکا و کانادا را تحت پوشش خود دارد. این مرکز مسئول نشر و گسترش اندیشه شیعی در قاره آمریکا است و کتاب‌های بسیاری را درباره تاریخ و ماهیت مذهب شیعه منتشر کرده است. این مرکز منبع بسیار خوبی در زمینه شیعه پژوهی است و اطلاعات مفید و گسترده‌ای را در این زمینه ارائه می‌دهد. این سازمان ماموریت خود را ایجاد ساختار و چارچوبی مشترک برای پاسخگویی نیازهای سیاسی، فرهنگی و مذهبی شیعیان در منطقه جغرافیایی آمریکای شمالی معرفی کرده و نقش خود را کمک به تأسیس و راه‌اندازی مراکز شیعی، گسترش گفت‌وگو بین المذاهب، توسعه و گسترش روابط شیعیان با مراجع تقلید، حمایت از موضوعات موثر برای شیعه اثنی عشری و ایجاد و راه‌اندازی مؤسسات آموزش عالی شیعی دانسته است. مراکز شیعی چون مرکز اسلامی معصومان (ع) تورنتو، انجمن اسلامی شیعیان حیدری مونترال، انجمن اسلامی شیعه اثنی عشری ادمونتون، مرکز اسلامی رضوی همیلتون، مرکز اسلامی اهل بیت لندن، انجمن اسلامی «شیعه اثنی عشری اُتاوا، جماعت شیعه اثنی عشری تورنتو و جمعیت اسلامی شیعه بریتیش کلمبیا

(همگی در کانادا) و مراکزی چون جماعت اسلامی شیعه اثنی عشری لس آنجلس، انجمن اسلامی جعفری میامی، جماعت اسلامی شیعه پنسیلوانیا، جماعت اثنی عشری نیویورک، مرکز اسلامی آرلاندو، بنیاد اسلامی نیوجرسی (همگی در ایالات متحده) تحت پوشش و عضو (سازمان جمعیت های شیعیان اثنی عشری آمریکای شمالی هستند). (لفورکی، ۱۳۸۷: ۲۱۹)

بنیاد الخویی

بنیاد خویی یکی دیگر از مراکز مهم شیعی در ایالات متحده است که در نیویورک قرار دارد. بنیاد خویی که دفتر اصلی آن در بریتانیاست، مسئولیت پاسخگویی به نیازهای مذهبی جامعه شیعیان آمریکا و اجرای برنامه‌های مذهبی و آموزش را بر عهده دارد. برنامه‌های این بنیاد به زبان‌های مختلف، نظیر فارسی، عربی، اردو و انگلیسی ارائه می‌شود. این مرکز در تمام سطوح آموزشی، از کودکان تا دانشگاه، مدارس و مؤسساتی دایر کرده است. دفتر بنیاد خویی در نیویورک، در سال ۱۹۸۹م افتتاح شده و از آن زمان تاکنون، با تأسیس کتابخانه، سالن اجتماعات و فضاهای آموزشی در کنار فعالیت‌های آموزشی و تبلیغاتی، به برگزاری مناسک و مراسم شیعی مشغول بوده است. (همان: ۲۲۰)

چالش‌های عمده مسلمانان در جامعه آمریکا

تردیدی نیست که مسلمانان مهاجر و بومی آمریکا، همانند دیگر اجتماعات اقلیت این کشور، با چالش‌ها و مسائل متعددی مواجه هستند. یکی از موارد مهم و مسئله ساز، نحوه زندگی به شیوه اسلامی در آمریکاست، بدین معنا که مسلمانان سعی دارند از یک سو اسلام را به عنوان یک شیوه کامل و جامع زندگی حفظ کنند. در عین حال ناگزیرند با مشکلات ناشی از تحولات و تغییرات حاصل در عصر مدرن که طی چند دهه گذشته صورت گرفته، دست و پنجه نرم نمایند. به زبانی دیگر، مسلمانان ناگزیرند یک شیوه زندگی مذهبی متناسب با اوضاع و دگرگونی‌های عصر ما بعد صنعتی و عصر مدرنیسم در جامعه آمریکا برای خود تنظیم نمایند تا ضمن حفظ معتقدات دینی و انجام فرایض مذهبی، خود را با دنیای مدرن که مظاهر و مصادیق و تبعات بارز آن در این کشور پیشرفته صنعتی بیش از هر جای دیگر به وفور به چشم می‌خورد، بیگانه سازند و به تعبیری دیگر بین زندگی اسلامی و مدرنیسم صنعتی تناسب سالمی برقرار سازند. پر واضح است که ظهور پدیده‌ای به نام جامعه مافوق مدرن و یا مافوق صنعتی در عصر کنونی، مسائل ویژه خود را به همراه دارد و از این رو، نه تنها اسلام، بلکه همه ادیان و ایدئولوژی‌های گوناگون سعی

دارند، به نحوی در برابر شرایط زندگی ناشی از مدرنیسم امروزی، عکس العمل مناسب نشان دهند. (حداد و لومیس، ۱۳۷۱: ۲۵۶)

از چالش‌های عمده دیگری که مسلمانان آمریکا با آن رو به روهستند، مربوط به فعالیت‌های اقتصادی آنان می‌باشد. بسیاری از رهبران اسلامی این کشور، در زمینه فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان، با مسائلی رو به رو شده‌اند: مسئله ربا یا همان بهره پول، مسئله مالکیت براساس ضوابط اسلامی، مسئله تجارت کردن با کالاهایی چون: نوشابه‌های الکلی، گوشت خوک و دیگر کالاهایی که از نظر اسلام حرام شمرده شده‌اند و مانند اینها. البته ساختارهای اقتصادی مسلمانان آمریکا تدریجاً در حال ظهور هستند و توفیق مسلمانان در این باره به موجودیت سرمایه در جامعه اسلامی اینجا و نیز به طرز فکر و تلقی مسلمانان تاجر و کاسب نسبت به سیستم سرمایه-داری آمریکا بستگی دارد. در شرایط فعلی، تعداد قابل توجهی از این دسته از مسلمانان مسئله نرخ بهره (ربا) را برای خود حل کرده و توجیهات منطقی برای آن یافته‌اند و سرانجام مسئله مشارکت فعال در پروژه‌ها و جریان‌های سیاسی آمریکا از دیگر چالش‌هایی است که در برابر بسیاری از مسلمانان این کشور قرار گرفته است. البته همانگونه که در بخش‌های پیشین ملاحظه شد، از دهه مخصوصاً ۱۹۸۰م توجه مسلمانان به فعالیت‌های سیاسی سازمان یافته حالت جدی به خود گرفت و مسلمانان با استفاده از تجربیات سایر گروه‌ها و از جمله با بررسی فعالیت‌های یهودیان از طریق کمیته‌های اقدام سیاسی، دست به ایجاد سازمان‌ها و کمیته‌های اقدام سیاسی زدند. و همانگونه که قبلاً اشاره شد، همه گروه‌های مسلمان در خصوص فعالیت‌های سیاسی نظر مشابهی ندارند. بدین معنا که تعدادی از گروه‌های اسلامی، مثل جماعت تبلیغی و مانند اینها مخالف هرگونه فعالیت سیاسی مسلمانان هستند. از دیگر مشکلاتی که در میان مسلمانان در حال افزایش است، طلاق است، به دلیل رو به رو بودن نوجوانان با دو فرهنگ گاه متضاد، با مشکلاتی از قبیل: سرکشی و لجام گسیختگی مواجه می‌شوند و متأسفانه، از این رو، نسبت به دستورات اسلامی، بدبین می‌شوند؛ چرا که نمی‌خواهند با منازعات و اختلاف نظرهای خانوادگی کنار بیایند و نمی‌خواهند همه چیز را فدا کنند. از این رو، وضعیت آنان تا حدی از نظر سیاسی، اجتماعی به هم ریخته است. (حداد، ۱۳۸۰: ۲۴۷)

نتیجه‌گیری:

انسان جدید به معنویت بیش از گذشته نیاز دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱- تفاوت انسان کنونی با انسان قدیم به جهت پیشرفت در علوم مختلف تجربی و فنی؛ با این توضیح که برای انسان کنونی امکان انجام دادن بسیاری از کارها برایش فراهم شده است که برای انسان سنتی فراهم نشده بود. وقتی انسان بسیاری از کارهایی را که می‌خواهد انجام دهد می‌تواند انجام دهد باید عامل مهمی یعنی معنویت در او باشد و به او بگوید هر چند می‌توانی بکنی اما نباید بکنی. همه چیزهای ممکن مطلوب نیستند. ۲- انسان متجدد به دلیل پیشرفت فن آوری و در هر زمانی کارهای متعدد می‌تواند بکند، یعنی در هر آن از لحظه‌های زندگی از مسایل فراوانی می‌تواند لذت ببرد و این نتیجه‌اش این است که از آن مساله ای که عملاً در حال لذت بردن است لذت وافی نبرد. در واقع با وجود موانع است که از زندگی لذت می‌بریم. ۳- به زیر سوال رفتن حریم خصوصی انسانها؛ امروزه با استفاده از تکنولوژی‌های نوین ارتباطاتی، آزادی‌های فردی انسانها کاسته شده است گرچه قدرت تاثیرگذاری انسانها و دولتها بسیار افزایش یافته است به همین دلیل انسانها همیشه خود را در خطر و ناامنی و آسیب پذیری احساس می‌کنند. نتیجه آنکه تنها معنویت و دینداری می‌تواند انسانها و دولتهای قدرتمند و صاحبان تکنولوژی را کنترل کند و به عبارت دیگر به این انسانها بگوید در عین اینکه می‌توانی آسیب برسانی نباید آسیب برسانی. اقتضای عدالت و احسان و محبت این است که نه تنها دردهای انسانها را افزایش ندهی بلکه باید در جهت رفع رنجهای بشریت تلاش کنی.

گرچه کسانی معتقدند که مسیحیت در حال خروج از حالت دینی خود است، اما این امر مربوط به تاریخ امروزی غرب است، غربی که هر کارش جهانی می‌شود خروج از مذهب هم جهانی شده است از مذهبی که بیشتر به جزئیات احکام و شرع متوجه است، در مسیحیت امروز این خروج بیشتر محسوس است. در این زمینه در دنیای مسیحی سه روند در حال انجام است: ۱- این روند در اروپا از مدتها قبل آغاز شده است به طوری که ظاهراً چون یک استثنا خود را نشان می‌دهد. ۲- در آمریکا یک روند متمایز از آن را می‌بینیم، یعنی آغاز نوعی ضدیت با مذهب اروپایی‌ها، پروتستان‌تیزم که معطوف به جهانی دیگر و اصول گراست، خصوصیت زندگی آمریکایی است که در امور خصوصی، متفاوت از اروپاییها، دینی و بنیادگرا می‌باشند. ۳- مسیحیت در آمریکای لاتین و آفریقای زیر صحرا، دین غالب می‌باشد. به ویژه با برداشتهای جدید، مسیحیت در زندگی فردی در حال غلیان جدیدی است.

معنویت علایم و شاخص‌های مختلفی دارد. یک مولفه آن این است که جهان هستی محصور در جهان طبیعت نیست. ورای جهان هستی، جهان یا جهان‌های دیگری است و مولفه دوم آن

است که بر کل جهان هستی نیرویی و موجودی دارای علم، قدرت و خیرخواهی بی نهایت حاکمیت دارد. مولفه سوم آن است که جهان هستی هدف دار است و مولفه چهارم معنویت، این است که جهان هستی دارای نظام اخلاقی است. از طرف دیگر معنویت ما را دعوت به عدالت، احسان و محبت می کند. یعنی اول می گوید اولین وظیفه تو این است که نسبت به انسانهای دیگر عادل باشی و هیچ حقی از دیگری را زایل نکنی. دوم اینکه نسبت به آنها احسان بورزی و سوم اینکه انسانها را دوست بداری. عدالت و احسان جنبه بیرونی معنویت هستند و محبت جنبه درونی آن.

وضعیت مسلمانان آمریکا با همکیشانان در اروپا کاملاً متفاوت است، برخلاف مسلمانان اروپایی، آنها بیشتر بخشی از طبقه متوسط هستند و تا حدود زیادی همگرا شده اند. با این حال حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱م، جامعه آمریکایی را با موضوعات تازه‌ای مواجه ساخت. حملات تروریستی یازده سپتامبر منجر به تغییر در سیاست‌هایی ضد تروریسم و مهاجرت شد و اجرایی شدن سیاست‌های جدید مسلمانان آمریکا را با تبعیض مواجه ساخت. مسلمانان آمریکا در مواجهه با چالش فوق، به واسطه درک درست از شرایط، فعالیت‌های جمعی و توسعه فعالیت‌های بین‌الادیانی نشان داده‌اند که قادر هستند از شرایط پیش آمده استفاده کنند و به سوی یک هویت جمعی مثبت، شبکه‌های اجتماعی و سیاسی وسیع و تعهد گسترده به حفظ وحدت با جامعه حرکت نمایند. مسلمانان آمریکایی دیدگاه‌های پیچیده‌ای در مورد روابط اجتماعی‌شان با سایر آمریکائیان دارند. کمی بیش از یک سوم آنها براساس تجربیات شخصی خود معتقدند که آمریکایی‌ها نسبت به مسلمانان احترام می‌گذارند، در حالی که جامعه آمریکا به عنوان یک کل، نسبت به مسلمانان بی حرمت و نسبت به مذهب و فرهنگ خودش متعصب است. یک سوم دیگر معتقدند که آمریکایی‌ها نسبت به مسلمانان دارای سعه صدر و برخوردهای محترمانه هستند. با این حال اکثریت مسلمانان آمریکایی می‌گویند که دوست یا یکی از اعضای خانواده آنها بعد از یازده سپتامبر با شکلی از تبعیض آزرده شده است. با گذشت بیش از یک دهه از یازده سپتامبر، خود آمریکایی‌ها معتقدند که مسلمانان بیش از سایر گروه‌های مذهبی در آمریکا با تبعیض مواجه شده‌اند. مطالعات مختلفی صورت گرفته است که نشان می‌دهد مسلمانان آمریکایی با اشکال تبعیض مواجه هستند. در نظر سنجی‌ای که پیو انجام داده است ۵۸ درصد از آمریکاییان بر این باور بودند که مسلمانان با تبعیضات مختلفی مواجه هستند. نظر سنجی مشابهی آشکار ساخته است که ۳۸ درصد از آمریکاییان معتقدند که اسلام بیش از سایر ادیان خشونت را ترویج

می‌کند و در مقابل، ۴۵ درصد به این امر باور نداشتند. با این حال این تصویر منفی بلافاصله بعد از یازده سپتامبر شکل نگرفته و تنها ادراکات منفی و اشکال مختلف تبعیض از آن زمان به بعد بیشتر ظاهر شده‌است. در رابطه با رسانه‌های آمریکایی و هالیوود نیز بیشتر مسلمانان آمریکایی عقیده دارند که آنها در تصویرسازی مسلمانان منصفانه عمل نمی‌کنند. (Senza,2012,16)

«دوارد کورتیس» هم در کتاب «دانشنامه تاریخ مسلمانان آمریکایی» به افزایش فشارها علیه مسلمانان پس از حملات تروریستی القاعده به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اشاره می‌کند: جرایم کینه توزانه بر ضد آمریکایی‌های عرب تبار، آمریکایی‌های مسلمان و آمریکایی‌هایی که مسلمان به نظر می‌رسیدند ۱/۷ درصد افزایش یافتند. به محض آنکه رهبران حکومتی همچون جورج دبلیو بوش این نوع خشونت‌ها را محکوم کرده و بر حفظ آرامش تأکید کردند، مسلمانان آمریکایی - عرب نیز قویاً تروریست‌ها را محکوم کرده و به کمک قربانیان آن حملات شتافتند. در آن روزها پزشکان و تیم نجات آمریکایی - عرب جلوتر از بقیه مستقر بودند. به عنوان مثال علی تقی که از آتش‌نشانان «تروی» میشیگان بود تلاش زیادی برای نجات بازماندگان واقعه مرکز تجارت جهانی کرد. مسلمانان عرب - آمریکایی به صندوق حمایت از مصیبت دیدگان صلیب جهانی کمک زیادی کردند. به عنوان مثال مسجد «الاقصی» در فیلادلفیا ۱۵۰۰۰۰ دلار جمع‌آوری کرده و مرکز اجتماعات عرب در «اورلاندوی» فلوریدا نیز ۵۰۰۰ دلار به صندوق یاد شده کمک کرد. مسلمانان عرب - آمریکایی سرتاسر کشور برای کمک به بازماندگان خون اهدا کرده، مراسماتی را در حمایت از قربانیان برگزار کرده و در شب پیمائی‌ها شرکت می‌کردند. در بروکلین نیویورک، دبی‌المنتصر، فعال و استاد دانشگاه یمنی آمریکایی، یک جشنواره و مراسم جمع‌آوری کمک چند فرهنگی را با همکاری چند مجری آسیایی، عرب و یهودی برگزار کرد. پسر وی، یعنی یوسف‌المنتصر که از اعضای گاردملیو در «گراند زیرو»، محل فرو ریختن مرکز تجارت جهانی نیز، حضور داشته، کمک زیادی کرد. (Curtis,2010.58-59)

به طور کلی از یازده سپتامبر به بعد، اسلام‌هراسی افزایش چشمگیری داشته است، به نحوی که کارمندان مسلمان، تجار، خیریه‌ها و مساجد همواره مورد اتهام بوده‌اند و مدارس مسلمانان همواره مورد نهیب قرار گرفته‌اند. بعد از یازده سپتامبر، جهت‌گیری مقامات نسبت به اسلام مثبت بوده است اما با اعلان جنگ علیه تروریسم، مقامات واشنگتن در برخورد با اقدامات مسلمان ستیزانه چندان جهت‌گیری روشنی نداشته‌اند و برخی مواقع مسلمانان را به چشم مضمون نگریسته‌اند. در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ۲۰۰۸ اسلام‌هراسی تبدیل به یکی از

مهمترین تاکتیک های مبارزات انتخاباتی شد و در سال ۲۰۱۲م نیز همین کارکرد را برای جذب رای دهندگان ادامه داد. تصور می‌رفت چنین شرایطی مسلمانان آمریکایی را در وضعیتی قرار دهد که بیش از گذشته در انزوا بروند و از لحاظ نژادی یا مذهبی خود را جدای از عموم ببینند اما رشد استفاده از اسلام به عنوان یک عامل تهدیدزا برای جذب رای، مسلمانان آمریکایی را برای شناساندن خود به زیر نور کشیده و آنها را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی ملی و منطقه‌ای فعال تر ساخته است. نیاز به درگیری و مشارکت در فعالیت‌های جمعی، سیاسی و رسانه‌ای اهمیت بیشتری یافته است چرا که مسلمانان در آمریکا تشخیص داده‌اند که همچنان در ایالت متحده زندگی می‌کنند و نیاز دارند که برای آینده خود و فرزندانشان سرمایه گذاری کنند. (Senza,2012,16). در همین رابطه نظرسنجی‌ای که از سوی MAPS انجام شده به این نتیجه رسیده است که اکثریت مسلمانان (۵۷ درصد) معتقدند که مساجد باید دیدگاه‌های خود را در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی بیان کنند در حالی که ۳۷ درصد معتقدند مساجد باید از موضوعات سیاسی دور بماند و حدود نیمی از مسلمانان بر این باورند که خطیبان مساجد نباید در مورد دیدگاه های سیاسی نامزدهای انتخاباتی بحث کنند. (Ibid,16)

پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م در آمریکا و نیز چندین انفجار تروریستی در برخی شهرهای اروپایی، چنین به نظر می‌رسد که یک گفتمان ضد اسلامی در سپهر عمومی جامعه آمریکا در حال شکل گیری باشد. این مسئله خود به یک نگرانی عمده برای یکایک سازمان‌ها و گروه‌های اسلامی مستقر در آمریکا تبدیل شده است. تفوق این گفتمان در جوامع غربی خصوصاً آمریکا تا بدانجاست که بسیاری بنیادگرایی اسلامی را اصلی ترین تهدید فراروی خود پس از فروپاشی کمونیسم در شوروی ارزیابی نموده‌اند. مسلمانان ساکن در آمریکا از وضعیت هویتی شناوری برخوردار هستند. دلیل این مسئله عمدتاً آن است که علاوه بر مذهب، دو مبنای مهم دیگر قومیت و ملیت آمریکایی نیز شکل دهنده هویت مسلمانان در آن کشور می‌باشد. این چندگانگی لایه‌های هویتی مسلمانان سبب شده است که نوع واکنش جامعه آمریکا به آنان متفاوت باشد.

منابع فارسی:

کتاب

- ۱- اودوم، استین (۱۳۶۳)، **مسلمانان سیاه آمریکا**، با ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران
- ۲- ارینچ سری، احسان تاشر و حامد الگار (۱۳۸۱)، **اسلام در قاره آمریکا**، با ترجمه رامین خانبگی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی
- ۳- ایوان یازبک، حداد (۱۳۸۰)، **مسلمانان آمریکا**، اسلام و غرب
- ۴- ثانی آبادی، الهام رسولی (۱۳۹۰)، **بررسی نقش و جایگاه مذهب در ایالات متحده آمریکا**، آمریکا (۱۱) ویژه مسائل داخلی آمریکا
- ۵- حداد ایون یازبک و آدیرت لومیس (۱۳۷۱)، **گسترش ارزش‌های اسلامی در ایالات متحده آمریکا**، با ترجمه افضل وثوقی. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
- ۶- حنیف، غلام (۱۳۷۸)، **طلوع اسلام در آمریکا**، اسلام و غرب، دفتر تحقیقات اسلامی وزارت امور خارجه
- ۷- خانبگی، رامین (۱۳۷۹)، **مجموعه مقالات اسلام در آمریکا**، اول ۱۳۸۱، با ترجمه: گروه مترجمان، تهران انتشارات بین‌المللی الهدی
- ۸- طارق، رمضان (۱۳۸۶)، **مسلمانان غرب و آینده اسلام**، با ترجمه امیر رضایی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری
- ۹- محمود خدافلای پور، فهیمه وزیری (۱۳۷۹)، **اسلام و مسلمانان آمریکا**، جلد اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

مقالات

- ۱- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۰)، **جنبش‌های سیاسی و اجتماعی مسلمانان آمریکا**، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۶
- ۲- صافی، لوی (۱۳۷۹)، **آموزش اسلامی و رشد سیاسی مسلمانان آمریکا**، تدوین توسط محمد حسین مترجم نظری نژاد، مجله مشکوه (بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی) شماره

- ۳- کیانی، داوود (۲۳ فروردین ۱۳۸۸)، تنگناهای هویتی مسلمانان در اروپا و آمریکا، پژوهشنامه ۲۰، استراتژی آمریکا در قبال جهان اسلام
- ۴- لگنهاوزن، محمد (تابستان ۱۳۸۴)، شیعیان آمریکا - وضعیت آنها پس از ۱۱ سپتامبر فصلنامه شیعه شناسی شماره ۱۰، سال سوم: ۱۹۱
- ۵- لگنهاوزن، محمد (بهار ۱۳۸۲)، شیعیان در آمریکا، فصلنامه شیعه شناسی شماره ۱، سال اول

خبرگزاری

- ۱- خلیفانی، ناصر سلطانی (۱۳۸۸)، شناخت جامعه مسلمانان آمریکا، ماهنامه مطالعات جامع
- ۲- لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷)، آمریکایی‌های مسلمان، بخش دوم، تهران، ماهنامه پگاه حوزه، شماره ۱۹۹
- ۳- لگنهاوزن، محمد (۱۳۸۴)، شیعیان آمریکا در گفتگو با محمد لگنهاوزن، ماهنامه اخبار شیعیان، شماره ۲
- ۴- مولانا، حمید (تیر ۱۳۸۶)، جامعه مسلمانان آمریکا، ماهنامه موعود، شماره ۷۷

منابع انگلیسی:

- 1- Cox Caroline, John Marks (June 2003), The 'West', Islam and Islamism. London: Institute for the Study of Civil Society
- 2- WESTERLUND. London-New York: Routledge Curzon, 2004
- 3- WESTERLUND, DAVID. Sufism in Europe and North America. London-New York: Routledge Curzon, 2004.
- 4- HADDAD, YVANNE YAZBECK, Jane Smith (1993), Mission to America: Five Islamic Sectarian Movements in North America. Gainesville, Florida: University of Florida Press
- 5- Titto, Steven (Feb 2014), Red Tape, Iron Nerve: The Iranian Quest for U.S. Education. The Washington Institute for Near East Policy